

فرستی برای بازگشت نیست!

گزارشی از برگزاری همایش علمی و کاربردی موانع و راهکارهای اصل ۴۴ قانون اساسی

دومین روز از برگزاری همایش علمی و کاربردی موانع و راهکارهای اصل ۴۴ قانون اساسی با ادامه ارائه مقالات و نشست های تخصصی ادامه یافت. در این همایش که روز نخست آن با سخنرانی رئیس و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزیر تعاون، معاون اول رئیس قوه قضائیه، اساتید دانشگاه، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، رئیس سازمان خصوصی سازی و تعدادی دیگر از کارشناسان اقتصادی کشور حضور داشتند، اصل ۴۴ از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفت و همگان بر ضرورت تحقق هر چه سریعتر این اصل پای فشرده شدند.

روز دوم نیز با سخنرانی دکتر دانش جعفری - وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی - آغاز شد و در ادامه کارشناسانی از سازمان خصوصی سازی، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارت امور اقتصادی و دارایی، دانشگاه جامع علمی و کاربردی و... مقالاتی ارائه دادند. در مجموعه سخنان ارائه شده توسط کارشناسان و متولیان اقتصادی کشور، سند چشم انداز توسعه کشور و توجه بیشتر به اجرای اصل ۴۴ بر اساس فرمان مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفت. آنان یادآور شدند دیگر زمان بازگشت به گذشته سپری شده است و باید با عنایت به آینده و ترسیم چشم اندازی روشن و موفق، ایران را به کشور اول منطقه تبدیل کنیم. این همایش پس از دو روز با قرائت بیانیه و امیدواری به تحقق اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به کار خود پایان داد.

فناوری ها قرار داد و این ۳ عامل را می توان در خصوصی سازی دنبال کرد. البته این امر به معنای عدم حضور دولت در اقتصاد نیست بلکه دولت و بخش خصوصی باید مانند پرنده ای که با دو بال پرواز می کند در کنار یکدیگر قرار گیرند و ظرفیت اقتصاد را گسترش دهند.

در حال حاضر ظرفیت نقدینگی بخش خصوصی کشور بیش از ۱۷۵ هزار میلیارد تومان است. این قدرت خرید در بخش خصوصی ما وجود دارد. در حالی که ۷۰ هزار میلیارد تومان ظرفیت بودجه عمومی دولت است. وقتی دو برابر این رقم در اختیار بخش خصوصی می باشد، هنر ما این است که امکانات و منابع را به سرمایه گذاری و فرصت های شغلی جدید تبدیل کنیم.

اما سیاست های کلی اصل ۴۴ صرفاً به بحث تولید ثروت و رشد اقتصادی بسنده نمی کند؛ بلکه طبق گفته مقام معظم رهبری، به تولید و توزیع ثروت و پیشرفت عدالت نیز می پردازد. واقعیت این است که از نظر توزیع قیمت وضعیت خوبی نداریم. در دنیا نسبت درآمد دهک ثروتمند به درآمد دهک فقیر یا دهک دهم به دهک اول وجود دارد. این نسبت در برخی کشورها مانند ژاپن ۴/۵ است در حالی که در کشور ما طی

نکته مهم و اساسی که در سند اصل ۴۴ منعکس شده، این است که اگر از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ را مورد بررسی قرار دهیم متوجه رشد ۵/۲ درصدی خواهیم شد که البته رقم قابل توجهی است اما با انتظاراتی که در سند چشم انداز مطرح شد فاصله بسیاری دارد. اصل ۴۴ معتقد است تا زمانی نگاه بر اقتصاد دولتی وجود دارد و از ظرفیت های بخش خصوصی حداکثر استفاده را به عمل نمی آوریم؛ به رشد بیش از ۵/۲ درصد نخواهیم رسید.

دو کشور پر قدرت جهان سوم چین و هند را در نظر بگیرید، پیش از سال ۱۹۷۹ اقتصاد دولتی و کمونیستی بر چین حکمفرما بود. هند نیز تا پیش از ۱۹۹۵ چنین حالتی را داشت. این کشورها زمانی به رشد قابل توجه و چشمگیری دست یافتند که به بخش خصوصی میدان دادند. در واقع توجه بیشتر به بخش خصوصی ظرفیت خالی را که به دنبال هستیم، محقق خواهد ساخت. اما اگر به ظرفیت بخش دولتی بسنده کنیم وضعیت تغییری نمی کند. بخش خصوصی می تواند با سرمایه گذاری جدید مشکلات ما را مرتفع سازد. اصولاً منابع رشد در مباحث اقتصاد در نیروی انسانی، موجودی سرمایه گذاری و

شکل گرفت) تا سال ۱۳۸۶، به طور متوسط رشد اقتصادی ما ۵/۲ درصد بوده است. البته دستیابی به این رقم کار بزرگی به نظر می رسد زیرا متوسط رشد اقتصادی دنیا در بهترین سال حدود ۵ درصد می باشد، اما اگر بخواهیم جزو پیشاتازان دنیا باشیم باید در این زمینه تلاش بیشتری صورت دهیم.

همانطور که در سند چشم انداز قید شده باید تا سال ۱۴۰۴ به کشور اول منطقه از نظر اقتصادی، علمی و فناوری تبدیل شویم. اما سوال این است که چگونه امکان دارد به کشور اول اقتصادی تبدیل شویم؟ طبق بررسی کارشناسان، لازمه تحقق چنین امری این است که حدود ۸ تا ۸/۵ درصد رشد اقتصادی داشته باشیم. دستیابی به رقم ۸ درصد غیر قابل اجرا و دسترسی نیست و طبق سند چشم انداز برای تبدیل شدن به کشور اول منطقه، باید به صورت مستمر چنین وضعیتی پیدا کنیم.

چشم انداز هدف را مشخص کرده است اما راهکار را به کارشناسان، مسئولین و برنامه ریزان سپرده است. این هدف نیازمند تدارکات و برنامه ریزی می باشد؛ پس باید به دنبال برنامه ریزی باشیم تا ما را به هدف چشم انداز رهنمون نماید.

نخستین بخش از روز دوم برگزاری همایش اصل ۴۴ نیز با حضور صاحب نظران و کارشناسان ادامه یافت.

نظارت مستمر جهت تحقق اصل ۴۴

دکتر دانش جعفری - رئیس کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام - در ابتدا ابراز داشت: پس از پیروزی انقلاب، ایران توفیقات متعددی در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی و... به دست آورده است و توانمندی های خود را به اثبات رسانده ایم. در طول ۸ سال دفاع مقدس هم که ملت ایران کار عظیمی انجام داد و امروز بر همگان روشن است به طوری که دنیا، متوجه قدرت جمهوری اسلامی ایران و مردم شده اند. واقعیت این است که امروز آنچه در معرض ظهور و بروز جهان قرار داد، حوزه اقتصادی است. کشورهایی که از نظر اقتصادی بتوانند توفیقات بیشتری به دست آورند، می توانند رفاه مردم را بالا ببرند و در عین حال خاصیت الگوسازی برای کشورهای دیگر را دارا خواهند بود پس برای اینکه در دنیا جایگاه خود را به دست آوریم باید در زمینه های اقتصادی تلاش کنیم و در این زمینه ها هم توان خود را نشان دهیم.

از سال ۱۳۶۸ (که ساختار اقتصادی کشور

سال‌های اخیر ۲۰ بوده است یعنی دهک ثروتمند ۲۰ برابر دهک فقیر درآمد دارند.

نکته دیگر این که برای توزیع عادلانه ثروت، بحث توسعه تعاونی‌ها مطرح شده است. در حال حاضر سهم تعاونی‌ها در اقتصاد ملی حدود ۵ درصد است که باید به ۲۵ درصد برسد. اگر سهامداران تعاونی مالک شرکت‌های بزرگ شوند؛ توزیع عادلانه ثروت صورت می‌گیرد. بحث دیگر شرکت‌های سهامی عام هستند. شرکت‌های سهامی خاص ممکن است یک تا سه نفر سهامدار داشته باشند اما اگر شرکت به صورت سهامی عام اداره شود، سهامداران آن یک میلیون نفر خواهند بود و در صورت سود آوری و پیشرفت شرکت، تمام سهامداران ثروتمند می‌شوند و سود میان آنها توزیع می‌شود.

اصل ۴۴ در مورد توزیع عادلانه ثروت هم مواردی را مطرح می‌کند. اگر بخواهیم تحول مورد نظر این اصل را به وجود آوریم باید در زمینه‌های متعددی کار کنیم. برای مثال در ایران حدود ۲۶/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی، به سرمایه‌گذاری اختصاص پیدا می‌کند در حالی که این رقم در مالزی حدود ۳۲ درصد و در چین ۴۰ درصد است. به عبارت دیگر آن‌ها تلاش بیشتری برای انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید انجام می‌دهند. هزینه‌ها و مخارج دولت در ایران حدود ۱۳/۴ درصد نسبت به تولید ناخالص است ولی این هزینه در مالزی ۱۰ درصد و چین ۸ درصد می‌باشد. واقعیت این است که هر چه هزینه‌های دولت کمتر باشد می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های بیشتری پرداخت.

در حال حاضر مردم نگرش چندانی مثبتی در مورد سرمایه‌گذاری ندارند باید این نگرش تغییر یابد و تلاش بیشتری برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش به عمل آورد. باید فضایی ایجاد شود که تولید بیشتر، سرمایه‌گذاری بیشتر و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر مورد تقدیر قرار گیرد، چه اشکالی دارد به فردی که بیشترین تلاش و فرصت سرمایه‌گذاری را در کشور ایجاد کرده، جایزه‌ای اختصاص یابد و از وی تقدیر شود؟

سیاست‌های اصل ۴۴ پس از لایحه‌های که دولت به مجلس ارائه کرد و مجلس در مدت زمان اندکی آن را به تصویب رساند از روند رو به پیشرفتی برخوردار شده است. براساس گزارش دولت هم اکنون آیین‌نامه‌های متعدد و مورد نیاز قانون در دست تهیه و تدوین است و به زودی به تصویب شورای عالی خصوصی‌سازی و دولت می‌رسد. این آیین‌نامه‌ها مقدمه اجرای ابعاد مختلف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است.

خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ فرآیند بلندمدتی می‌طلبد و این فرآیند صرفاً محدود به واگذاری سهام دولتی نیست که هم اکنون در شرکت‌های دولتی در اختیار دارد، بلکه به ابعاد مهمتر و پیچیده‌تر از آن و چگونگی توانمند کردن بخش‌های غیر دولتی مربوط

است. به نحوی که بخش‌های غیردولتی بتوانند مسئولیت‌هایی را که در گذشته صرفاً در اختیار بخش دولتی بوده است؛ به خوبی انجام بدهند. مهمترین چالش موجود در ارتباط با واگذاری شرکت‌های دولتی، انتقال مدیریت به بخش خصوصی پس از واگذاری‌ها است. نکته حائز اهمیت که می‌تواند بر اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ منطبق باشد این است که با انتقال مدیریت از بخش دولتی به غیردولتی شاهد افزایش بهره‌وری در بنگاه‌ها باشیم. با واگذاری بنگاه‌های بزرگ، نقش انحصارگری دولت که در گذشته وجود داشته به طور کلی از بین برود و با ایجاد رقابت میان واحدهای مختلف بخش‌های غیردولتی میزان بهره‌وری و رفاه مردم و تولیدکنندگان افزایش خواهد یافت.

دولتی به اندازه ۳ هزار میلیارد تومان کم شده است اما باید سرمایه‌گذاری جدیدی ایجاد کنیم. نکته مسلم این است که باید سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی صورت بگیرد تا بتواند سهم دولت و بخش خصوصی را تغییر دهد. باید در جهت‌گیری بودجه سال ۱۳۸۸ چالش‌های موجود اصلاح شود و منابعی که صرفاً از طریق واگذاری شرکت‌های دولتی در جهت اجرای بند «د» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است منطبق با چگونگی صرف منابع هزینه شود. نظارت یک امر مستمر است و مقام معظم رهبری این اختیار را به مجمع تشخیص مصلحت نظام داده است تا بر چگونگی اجرای سیاست‌ها اعمال نظارت کند.

خصوصی‌سازی فراتر از واگذاری‌هاست

رییس کمیسیون نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام:

خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ فرآیند بلندمدتی می‌طلبد و این فرآیند صرفاً محدود به واگذاری سهام دولتی نیست که هم اکنون در شرکت‌های دولتی در اختیار دارد، بلکه به ابعاد مهمتر و پیچیده‌تر از آن و چگونگی توانمند کردن بخش‌های غیر دولتی مربوط است. به نحوی که بخش‌های غیر دولتی بتوانند مسئولیت‌هایی را که در گذشته صرفاً در اختیار بخش دولتی بوده است؛ به خوبی انجام بدهند



پیش از آن که قانون اجرایی کردن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به اجرا درآید، تفاوت‌هایی به لحاظ جهت‌گیری‌های سیاست‌های کلی اصل ۴۴ وجود دارد. به طور مثال در بودجه سال ۱۳۸۷ حدود ۳ هزار میلیارد تومان از درآمدهای مربوط به خصوصی‌سازی و درآمدهای ناشی از واگذاری به خزانه دولت ریخته می‌شود و دولت در جهت هزینه‌هایی که در بودجه سالیانه دارد از این درآمدها استفاده می‌کند.

در یکی از بندهای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قید شده که منابع باید در جهت توانمند کردن بخش خصوصی صرف و با مشارکت بخش خصوصی از آن استفاده شود. برای مثال اگر ۳ هزار میلیارد تومان از محل واگذاری ایجاد می‌شود یعنی بخشی از سرمایه‌گذاری‌های

دولتمردان و قوانین یک جانبه مصوب دولت منجر به ایجاد فاصله میان دولت و مردم می‌شود که یک چالش بزرگ سیاسی برای ماست. مقام معظم رهبری در جلسه‌ای که با حضور مسئولین نظام برگزار شده بود؛ فرمودند «دو محور افزایش ثروت ملی و دیگری افزایش درآمد سرانه کشور در این سیاست‌ها برای ما اهمیت دارد». تجربه نشان داده که اقتصاد دولتی هیچگاه نمی‌تواند به تولید ثروت بپردازد و افزایش ثروت ملی را به همراه داشته باشد. این کار باعث فقر جامعه می‌شود و جامعه فقیر یعنی پائین آمدن ظرفیت درآمد سرانه کشور. زمانی که درآمد سرانه مردم کاهش یابد در خرید مشکل پیدا می‌کنند و این امر به معنای کاهش سرمایه‌گذاری در کشور است. در صورت عدم سرمایه‌گذاری نمی‌توان به ۸ درصد رشد طبق سند چشم‌انداز دست یافت. از طرف دیگر کاهش درآمد سرانه، قدرت خرید مردم را پائین می‌آورد و تقاضا موثر مردم نسبت به کالاهای کارخانجات کاهش می‌یابد در نتیجه کارخانجات کمتر از ظرفیت کار می‌کنند، تولید خود را به حداقل می‌رسانند، با تعدیل نیروی کار مواجه می‌شوند و بدین ترتیب بحران اشتغال و بیکاری در جامعه گسترش می‌یابد.

مقام معظم با تعیین قلمروهای بخش دولتی، خصوصی و تعاونی؛ نقش و سهم دولت را مشخص کرده‌اند. ایشان فرموده‌اند «دولت باید حداکثر ۲۰ درصد سهم در اقتصاد کشور داشته باشد، نقش تصدیگری را به مردم واگذار کند و سیاست‌گذاری و نظارت، خط مشی‌گذاری و امور حاکمیتی را انجام دهد».

محور بعدی سیاست‌ها، بهره‌وری است. بهره‌وری و کارایی یکی از محورهای مهم سیاست‌های اصل ۴۴ محسوب می‌شود. نظام‌های سوسیالیستی معتقدند که مالکیت یک نوع دزدی است. اما اسلام معتقد است مالکیت متعلق به خدا و امانت در اختیار بندگان خداست و باید برای رشد و شکوفایی جامعه از آن استفاده کرد. ضمن کوچک سازی دولت، باید به مردم فرصت دهیم تا توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خود را افزایش دهند. باید بخش خصوصی را توانمند سازیم زیرا در محیط آزاد و خارج از قید و بند دولت استعدادها شکوفا می‌شوند، خلاقیت‌ها به منصفه ظهور می‌رسند و نوآوری‌ها به وجود می‌آیند.

در دنیای امروز هر کشور و هر اقتصادی که بتواند نوآوری بیشتری داشته باشد می‌تواند سهم بیشتری در بازارهای داخلی و بین‌المللی به خود اختصاص دهد. همانطور که پیشرفت و توسعه کشورهایی همچون ژاپن و آلمان مرهون نوآوری‌های اقتصادی است.

نوآوری همیشه منجر به بهره‌وری می‌شود و بهره‌وری موتور توسعه و رشد است. از رقم ۸/۵ درصد رشد و توسعه اقتصادی کشور، ۲/۵ درصد باید از طریق بهره‌وری و ۵/۵ درصد از

۶- بررسی کارکنان از تمام زوایا
۷- ارزیابی تکنولوژی‌های رقیب آن شرکت
۸- تحقیقات بازار بر محصولات و خدمات ارائه شده توسط آن شرکت
۹- دارایی‌های فعلی شرکت
۱۰- چگونگی قیمت‌گذاری و ارزش‌گذاری شرکت
۱۱- چگونگی شرایط و شیوه واگذاری
۱۲- اطلاعات واگذاری که در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دهیم باید شامل چه پارامترهایی باشد؟
۱۳- تدوین یک نقشه راه روشن در تعیین هدف باید برای بخش خصوصی فرصت‌سازی کنیم. (شفافیت در کنار اطلاعات). شوق برانگیز بودن نحوه واگذاری، عملی بودن واگذاری در مدت زمان تعیین شده، داشتن تولید برای مشتریان و بخش خصوصی، قابل انتقال به بخش خصوصی.
تدوین استراتژی باید براساس اهداف اولیه صورت گیرد. باید دقیقاً محیط داخلی و خارجی، عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، رقابتی، سیاسی و قانون و تعیین فرصت‌ها و تهدیدات موجود را بررسی کنیم.
۱۴- تعیین حوزه‌های تکنولوژی به تشخیص فناوری‌های کلیدی برای شرکت‌های دولتی که قرار است واگذار شوند.
۱۵- پیش‌بینی زمان ظهور و وقوع فناوری‌ها
۱۶- روند رشد شرکت‌ها چگونه است تا بتوانیم سرعت رشد آنها را تشخیص دهیم.
۱۷- نقاط ضعف و قوت کار دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد.
۱۸- با پتانسیل‌های سازمان و شرکت از نظر تکنولوژی آشنا باشیم و نیازهای اجتماعی سازمان را بشناسیم.
۱۹- باید عناصر فرهنگی سازمان را دقیقاً مورد بررسی قرار دهیم و بدایم زمان واگذاری کدامیک به بخش خصوصی باید تغییر کند؟ آیا مدیران فعلی می‌توانند این تغییر را بوجود آورند یا با تغییر در مدیریت هم ایجاد شود.
۲۰- ارزش‌هایی که در حال حاضر در این سازمان دولتی وجود دارد شناسایی شود و اگر قرار است تبدیل شود باید آن پارامترها هم مورد توجه قرار گیرد.

به طور مشخص نداشت. به هرحال این امر نیازمند مطالعات و اقدامات کارشناسی بود و الزامات تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری باید رعایت می‌شد. به نظر می‌رسد از دو ناحیه حضور مردم و بحث فرهنگ‌سازی در این زمینه قابل توجه و اهمیت است. در مرحله نخست، دریافت نظرات و خواسته‌های مردم برای تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف که بسیار مهم است. دوم بسترسازی فرهنگی در اذهان عمومی. به عبارت دیگر مردم باید نسبت به مباحث مربوط به ثروت، توزیع و سرمایه آگاه باشند.
استراتژی کلی ما را به یک مدل ترسیمی از مباحث و بسترسازی فرهنگی در این عرصه رهنمون می‌کند. نکته اول که در این بحث مطرح می‌شود "مهندسی فرهنگی" است. به عبارت باید دیگر یک بار به صورت صریح و براساس تحقیقات و مطالعات انجام گرفته، جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی را تعریف کنیم. باید نوع نگاه‌ها به فردی که ثروت و سرمایه در اختیار دارد روشن شود و نکته مهم این که به نظر می‌رسد مباحث اقتصادی باید مورد مهندسی فرهنگ قرار گیرد.
نکته دوم، تغییر رفتارهای اقتصادی است. به نظر می‌رسد در سه بخش تغییر رفتارهای اقتصادی به وقوع بپیوندد:
۱- آموزش استانداردهای رفتارهای اقتصادی در میان کودکان
۲- آگاه‌سازی و ایجاد حساسیت در میان مردم
۳- ایجاد باور مشترک مسئولین. در حال حاضر نیازمند یک باور عمومی در میان مدیران دولتی هستیم. همراهی مدیران و مردم می‌تواند ضامن موفقیت ما در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ باشد و به انقلاب اقتصادی منجر شود.
چگونه شرکت‌های دولتی را به صورت موفق بخش خصوصی واگذار کنیم؟
یکی دیگر از سخنرانان همایش ابراز داشت: ۱۳ گام در این زمینه وجود دارد.
۱- تعیین هدف
۲- تدوین استراتژی
۳- تعیین حوزه‌های تکنولوژی
۴- فرهنگ سازمانی شرکت دولتی
۵- ساختار سازمانی فعلی

از محورها و مشکلاتی که مقام معظم رهبری اشاره کردند، جلوگیری از "رانت‌خواری" و "ویژه‌خواری" است. اقتصاد دولتی به دلیل پارانهای دولتی، ریشه و منشأ رانت‌خواری‌ها و ویژه‌خواری‌ها است. این پارانها موجب تبعیض فساد و رانت را به همراه می‌آورد. در کشور ما بحث تولید را دولت و بخش بازرگانی و توزیع را مردم انجام می‌دهند. بر همین اساس افرادی از بخش توزیع به بخش تولید متصل هستند. این امر، مشکلاتی را از نظر سوء مدیریت، عدم شفافیت‌ها، ضدرقابت‌ها، هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌های بالا، حساب‌های غیر شفاف (که زائیده اقتصاد دولتی است) به وجود می‌آورد.
نکته پایانی این که خصوصی‌سازی فراتر از واگذاری‌هاست. برخی خصوصی‌سازی را به مثابه انقلاب اقتصادی تلقی کرده‌اند، یعنی دگرگونی در تمام سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور زیرا خصوصی‌سازی کلیه ساختارها را تغییر می‌دهد و باعث افزایش بازدهی شرکت‌ها و سودآوری آنها می‌شود.
فرهنگ سازی اصل ۴۴
زهره عالی‌پور- کارشناس سازمان خصوصی سازی - گفت: مجموعه مباحث گفته شده در این همایش مربوط به یک نقطه اساسی است؛ این که زنجیره متصل دولت، مردم و رشد و توسعه اقتصادی همیشه با برداشته‌های متفاوتی از جهت توزیع قدرت، تملک و مدیریتی در عرصه‌های اقتصادی همراه بوده است.
شاید ۵۰ درصد قانونی که پس از سی سال پیروزی انقلاب به تصویب رسد و دارای ۹۱ ماده و ۹۲ تبصره است؛ نیازمند آئین‌نامه و دستورالعمل است. در این زمینه نگرانی‌هایی وجود دارد و شاید علت نگرانی‌ها مربوط به این بحث است که متأسفانه ابزارها و راهکارهایی که اطمینان مردم را جهت توزیع کاملاً عادلانه ثروت و درآمد جلب نماید، وجود ندارد.
توجه داشته باشید که تعیین حدود فعالیت نظام‌های اقتصادی از سال‌های ۱۳۷۶ در مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت پذیرفت. اما تا زمانی که با تصویر روشن و تعیین حدود استراتژی از سوی رهبری انقلاب انجام نگرفت کسی جرأت و جسارت ورود به این مباحث را

طریق سرمایه‌گذاری به دست آید. وقتی میزان بهره‌وری پایین باشد به رشد و توسعه مورد نظر نخواهیم رسید؛ لذا براساس سیاست‌ها در قانون جدید اصل ۴۴ کلیه امتیازات دولتی لغو شده است و دولت حق دادن هیچگونه امتیازی (مگر با اولویت به بخش‌های خصوصی) به بخش‌های دولتی ندارد.
محور بعدی رقابت‌پذیر کردن اقتصاد است. این امر مورد تأیید مقام معظم رهبری رسیده است. ۴۲ ماده از قانون اصل ۴۴ به بحث رقابت اختصاص دارد. وقتی در مورد اقتصاد دولتی صحبت به میان می‌آید، به معنای عملکرد ضعیف، خدمات ناکارآمد، اسراف کارکنان، هزینه‌های بالای تولید، ضایعات زیاد و سوء مدیریت است.
اقتصاد رقابتی دارای دو خصیصه مهم است. کارخانجات باید به صورت مستمر هزینه‌ها را کاهش و کیفیت تولیدات را افزایش دهند و آن را با قیمت ارزان به دست مصرف‌کننده برسانند. بخش خصوصی از دولت هراسی ندارد بلکه از بخش خصوصی می‌ترسد. در یک بازار رقابتی، بخش خصوصی در مقابل رقیب کم می‌آورد و صحنه را ترک می‌کند. در چنین بازار رقابتی هیچگاه اقتصاد دولتی نمی‌تواند کاری انجام دهد زیرا دولت محدودیت سیاسی و بازاریابی دارد و این موارد باعث می‌شود از نظر اشتغال، ثروت ملی و رشد و توسعه اقتصادی دچار ضرر شویم.
بحث دیگر، مشارکت گسترده مردم در اقتصاد است. اقتصاد ما باید مردمی شود و مردم باید در آن نقش موثر ایفا نمایند. در بخش "تعاون" و بخش "سهام عدالت" این مسأله مصداق دارد زیرا مشارکت گسترده مردم در اقتصاد کشور را در برمی‌گیرد، اصل ۴۴ تسهیلات فراوانی را برای بخش تعاون در نظر گرفته است و بر این اساس تعاونی‌ها علاوه بر تعاونی‌های فعلی به تعاونی‌های سهامی عام و فرایر ملی تبدیل خواهند شد. باید بانک توسعه تعاون، صندوق ضمانت تعاونی‌ها، تخفیفات مالیاتی و تسهیلات بیمه‌ای در نظر گرفته شود و در نهایت ۳ میلیون نفر سهامدار را به ۴۳ میلیون نفر برسانیم تا بخش تعاونی بتواند اقتصاد را مردمی کند، فرهنگ سهامداری در کشور ارتقا یابد و مردم در سرنوشت اقتصادی کشور شریک شوند.



بند بعدی، ساختار سازمانی است. قطعاً شرکت دولتی ساختار سازمانی دارد اما یکبار دیگر باید ساختار سازمانی را جهت واگذاری به بخش خصوصی مورد بررسی قرار دهیم. به فرآیندها و این که فعالیت‌ها از نظر مدت زمان توجه کنیم. نیروی مازاد شرکت دولتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و بدانیم در کدام قسمت نفرات براساس تخصص خود کار نمی‌کنند.

ارزیابی تکنولوژی: تکنولوژی شرکت‌های رقیب چیست و چه موقع باید این تکنولوژی‌ها را به کار ببریم؟ اثر آن تکنولوژی‌ها بر محصولات نهایی بررسی کنیم و اثرگذار بودن و اثرپذیر بودن آن نسبت به تکنولوژی‌هایی که داریم، مشاهده نماییم. براساس استراتژی‌های سازمان و تکنولوژی‌ها انتخاب شوند و مدت زمانی که تکنولوژی‌های ما امکان دارد به مرحله افول برسند؛ مورد ارزیابی قرار گیرند.

بحث تحقیقات بازار به روی محصولات و خدماتی که شرکت دولتی در حال حاضر ارائه می‌کند، انجام شود. همچنین اندازه و پتانسیل رشد خدمات و محصولی که آن شرکت دارد تخمین بزنیم.

توان مشتریان فعلی از نظر خرید چگونه است. مشخصات رقیبان از نظر محصول یا خدمات بررسی کنیم. آیا می‌توانیم یک قسمت از بازار را برای محصولاتمان بصورت انحصاری داشته باشیم یا خیر.

مکان در بازار کجا باید باشد؟ پیش‌بینی جاری و آینده محصول یا خدمات را بدانیم.

به بودجه دولت متکی نیستیم

دکتر بلندی رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی گفت: دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، مستلزم وجود یک مغز نرم‌افزاری در سیستم است و آن چیزی نیست جز «منابع انسانی». این نکته حائز اهمیت است و باید مورد توجه قرار گیرد زیرا بدون پرداختن به منابع انسانی و ارتقای کیفیت به اهداف سند چشم‌انداز دست نخواهیم یافت. در این راستا سه موضوع باید در اصل نیروی انسانی مورد توجه قرار گیرد:

۱- شناخت یا نیازسنجی زمانی و مکانی از

نیازمندی‌های موجود در جامعه. یعنی باید نیاز بازارکار و پارامترهای دینامیک را مورد شناسایی قرار دهیم. افراد باید دانش فنی روز را بشناسند و بومی‌سازی فناوری داخل کشور را انجام دهند. در ایران یک نظام اسلامی حکمفرماست بنابراین هر چه در بیرون مرزهای کشور اتفاق می‌افتد لاجرم در داخل کشور ما پاسخگو نخواهد بود بلکه با توجه به نیاز و اعتقاد به مقوله خودکفایی؛

تلاش‌های دولت به دوش بخش‌های تعاونی و خصوصی گذاشته شود. نظام غیر دولتی پس از استقرار برای تداوم فعالیت‌های خود باید وارد عرصه رقابت جهانی و پذیرش تجارت جهانی شود. استانداردهای داخلی در مد نظر قرار دهد و خود را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کند. برای آنکه جایگاهی که در سند چشم‌انداز برای این نظام اقتصادی-

رئیس دانشگاه جامع علمی و کاربردی:
با توجه به تمهیداتی که از گذشته در کشور اندیشیده و برنامه‌ریزی‌هایی که امروز در عرصه تلاش جهت رسیدن به آرمان‌ها داریم نشان می‌دهد که در مسیری قرار گرفته‌ایم که کمتر مورد آسیب هستیم زیرا از دیرباز به ایجاد زیرساخت‌ها توجه ویژه‌ای می‌شد و با به روز رسانی و فعال‌تر شدن در این عرصه می‌توان سریعتر به اهداف بلند کشور دست یافت

باید این نیازها را مورد شناسایی قرار دهیم.

۲- داشتن گروه‌های مجرب برای تعریف، تدوین، تصویب و اجرای این برنامه‌ها

۳- باور به امر تحقیق و توسعه در قالب همگون کردن و عجين ساختن آموزش، پژوهش و نیاز بازار کار

در حال حاضر می‌توان آموزش عالی کشور را به ۳ دسته تقسیم کنیم:

۱- حضور در مرزهای دانش

۲- آموزش و پژوهش

۳- پرداختن به نیاز بازار کار

اصل ۴۴ یکی از عصاره‌های نظام ما است دلایل حاکمیتی و ولایتی در اجرای این اصل داریم و باید تلاش خود را معطوف به اجرایی کردن آن کنیم. از این رو یک گردش کار اجرایی را باید تعریف و تبیین کنیم تا هر کسی در جایگاه خود به وظیفه‌اش عمل کند. آن چیزی که از تحقق اصل ۴۴ به آن دسترسی پیدا می‌کنیم این است که نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به یک نهاد سیاست‌گذار، ناظر و هدایت‌گر مبدل و

جایگاه نیروی انسانی توجه ویژه‌ای داشته باشیم. به همین منظور چند دسته آموزش را پیش‌بینی کرده‌ایم و دانشگاه جامع می‌تواند بازوی اجرایی قانون اصل ۴۴ در تربیت نیروی انسانی باشد زیرا اگر نتوانیم نیروی انسانی را تربیت کنیم اعمال نظارت هم ممکن نیست. بنابراین باید مهارت و تخصص را برای این نیروی انسانی پیش‌بینی کنیم. همچنین راه‌اندازی دفاتر مشاوره‌ای برای مشورت دهی به دولت و بخش‌های خصوصی و تعاونی از دیگر الزامات و مدل‌های مورد نیاز برای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ است.

دانشگاه جامع علمی کاربردی کمترین اتکالی به بودجه دولت ندارد؛ ما یک دانشگاه دولتی با ۲۶۰ هزار دانشجو و ۲۰ هزار مدرس هستیم و بدون تکیه به بودجه دولتی و با سرمایه مردمی در راه تحقق اهداف نظام حرکت می‌کنیم.

خوشبختانه با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دولت پذیرفته که باید وظیفه بنگاه داری اقتصادی را به مردم واگذار کند و وارد عمل شده تا از پتانسیل‌های مردمی و ظرفیت‌های مدیریتی و اقتصادی آنها در جهت پیشرفت کشور بهره‌مند شود و در عمل دانشگاه‌ها خود را بازوی اجرایی پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی در حوزه تربیت نیروی انسانی می‌دانند.

با توجه به تمهیداتی که از گذشته در کشور اندیشیده و برنامه‌ریزی‌هایی که امروز در عرصه تلاش جهت رسیدن به آرمان‌ها داریم نشان می‌دهد که در مسیری قرار گرفته‌ایم که کمتر مورد آسیب هستیم زیرا از دیرباز به ایجاد زیرساخت‌ها توجه ویژه‌ای می‌شد و با به روز رسانی و فعال‌تر شدن در این عرصه می‌توان سریعتر به اهداف بلند کشور دست یافت.

در چند سال اخیر دانشگاه جامع علمی کاربردی حرکت ویژه‌ای را در خصوص تربیت نیروی انسانی آغاز کرده و به ارائه مهارت و تخصص در کشور پرداخته‌اند و در این زمینه طرح تبدیل نیروهای انسانی به نیروهای استخدام شونده و



از منطق عرضه و تقاضا است و آن چیزی نیست جز آزاد سازی قیمت‌ها و اقتصاد شفاف در حوزه پارانها، لذا لازم اجرای قانون اصل ۴۴ لایحه هدفمند کردن لایحه‌ها بود.

با وجود چنین مشکلات و یکسری پی ریزی‌ها که برای اجرای قانون نیاز است، باید راهکارهای آن مورد بررسی قرار گیرد و لایحه تعیین جرم برخی مصادیق اصل ۴۴ توسط قوه قضائیه مطرح شود تا به هیچ وجه شاهد مدیریت، مالکیت، سرمایه‌گذاری و تصدی در حوزه‌های رقابتی از طرف دولت یا دستگاه‌های شبه دولتی نباشیم. ضمناً سایر لایحه‌ای که در قانون تکلیف شده باید به سرعت سریع تدوین و اجرایی شوند.

بورس و اصل ۴۴ قانون اساسی

دکتر احمدپور - عضو هیأت‌مدیره و معاون اجرایی سازمان بورس و اوراق بهادار - اظهار داشت: از اوایل دهه ۹۰ میلادی تاکنون که بیش از یکصد کشور جهان خصوصی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی را به عنوان یک ابزار سیاست اقتصادی پذیرفته‌اند، گسترش برنامه خصوصی‌سازی با رشد و توسعه حجم معاملات در بورس‌های مختلف جهان توأم بوده است. به عبارت دیگر، اگر چه بورس و خصوصی‌سازی در ظاهر سیاست و ابزار اجرای سیاست به نظر می‌رسند اما در عمل دو عامل تأثیرگذار یکدیگر هستند. عملکرد کارآمد بورس اوراق بهادار افزایش کارایی خصوصی‌سازی، انجام مطلوب خصوصی‌سازی و رشد و توسعه بازار سرمایه را به همراه دارد.

دولت‌ها گرچه به بورس و برنامه خصوصی‌سازی به‌عنوان یک ابزار افزایش درآمد (در مرحله اول) و در مرحله بعد افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت‌های دولتی می‌نگرند؛ اما انتظار دارند که اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی از طریق عرضه عموم به توسعه بازار سرمایه کشور بینجامد که این خود نیز موتور رشد و محرک توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. تأثیرگذاری خصوصی‌سازی بر رشد بازار سرمایه را می‌توان براساس شاخص‌های ذیل بیان نمود:

۱- ارزش بازار: ارزش بازار بهترین معیار برای سنجش بازار سرمایه نسبت به اندازه اقتصاد ملی

تدوین خواهد شد و علاوه بر ضمانت اجرایی، جرم‌های این قانون به خصوص در بخش اول قانون که حدود قلمرو دولت است، احصا نشده و باید لایحه آن توسط قوه قضائیه تهیه شود و به تصویب برسد.

نکته قابل تأمل این که وقتی در حوزه بهداشت، آموزش، سلامت، تحقیقات و فرهنگ اصل ۴۴ اجرا نشود؛ چه اتفاق ویژه‌ای رخ خواهد داد؟

مسئول اصل ۴۴ در وزارت امور اقتصادی و دارایی:

موضوع دیگر این که اصل ۴۴ باید در بسیاری از موارد استقلال را داشته باشد تا احساس کنیم اقتصاد مردمی شکل می‌گیرد و نفوذ دولت در بخش‌های زیربنای اقتصاد کاهش می‌یابد. برخی موارد این قانون زمان‌بر است و نیاز به بستری دارد که دولت باید آنرا فراهم کند.

کماکان بخش اعظم بودجه‌های دولت به مدارس اختصاص می‌یابد، مسئولیت و مدیریت دولت در حوزه بهداشت و درمان پابرجا خواهد ماند. اگر اتفاق اصل ۴۴ و واگذاری تصدی‌ها و از آن مهمتر حضور جدید بخش خصوصی اتفاق نیفتد، هیچ تغییری در ساختار اقتصاد کشور به وجود نخواهد آمد.

متوقف شدن ابلاغ سیاست‌ها یعنی فرآیندی که از سال ۱۳۷۸ آغاز شد و پس از گذشت ۱۰ سال به دست دولت رسید! ۳۵ آئین‌نامه و ۵۰-۶۰ مقررات اجرایی باید وضع شوند تا تمام بندها و موارد اصل ۴۴ اجرایی شود.

موضوع دیگر این که اصل ۴۴ باید در بسیاری از موارد استقلال را داشته باشد تا احساس کنیم اقتصاد مردمی شکل می‌گیرد و نفوذ دولت در بخش‌های زیربنای اقتصاد کاهش می‌یابد. برخی موارد این قانون زمان‌بر است و نیاز به بستری دارد که دولت باید آنرا فراهم کند.

باید توجه کرد چالش قانون اجرای اصل ۴۴ که حضور مردم و سرمایه آنان در اقتصاد مطرح است؛ نیازمند شفافیت، تعادل قیمت‌ها و تبعیت

در این حوزه‌ها به لایحه جدید دیگری محول شده است. همچنین نهادهای اجرایی و حاکمیتی جدید برای سیاست‌گذاری و تصدیگری تعریف شده‌اند و حدود ۱۵ تا ۲۰ نهاد جدید در قانون وجود دارند که برخی از این احکام از اولویت زمانی یا اهمیت موضوعی بیشتری برخوردارند.

حوزه‌های مهم اقتصاد مندرج در صدر اصل ۴۴ امکان واگذاری دارند. این موارد قبلاً از واگذاری

پرداننده به شناخت نیازهای کشور و تلاش در جهت رفع آنها در کشور تسری یافته و در این راستا موفق عمل کرده‌ایم و بازتاب آن در جامعه قابل مشاهده است و با این زمینه با وجود بحران جهانی کشور را در حالتی معتدل به پیش می‌بریم.

معرفی برخی ویژگی‌های قانونی موانع و راهکارها در مورد اصل ۴۴

آقای خانی- مسئول اصل ۴۴ در وزارت امور اقتصادی و دارایی- ابراز داشت: نظام آموزش عالی کشور روح دولتی دارد و بسیاری از مالکیت و تصدی‌ها در این حوزه توسط دولت صورت می‌گیرد. نظام بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی در کشور به صورت کاملاً دولتی یا شبه دولتی اداره می‌شود. حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی ملموس است و حتی در فروشگاه‌ها نیز با شبه دولت و نوعی از انحصار مواجه هستیم.

در حقیقت سیاست‌های اصل ۴۴ از طرف مقام معظم این هدف را دارد که به عنوان یک نهضت (نه صرفاً یک انقلاب)، استمرار داشته باشد و اقتدار دولت در حوزه اقتصاد را تغییر دهد.

لازمه تحقق چنین امری، ابلاغ سیاست‌ها و باز تعریفی از اصل ۴۴ است. اما قانون مذکور به عنوان قانونی که قصد دارد روح حاکم بر اقتصاد دولتی را تغییر دهد و آن را به اقتصاد خصوصی و مردمی تبدیل کند؛ چه ویژگی‌هایی دارد؟

در قانون اصل ۴۴ تمام قوای سه گانه کشور مخاطب هستند نه فقط قوه مجریه. متأسفانه مشاهده می‌شود که برخی از دستگاه‌ها عنوان می‌کنند اصل ۴۴ را مرور کرده‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که هیچ تأثیر و تأثیری به روی عملکرد ما ندارد و به ما مربوط نمی‌شود!

آن بخش از فعالیت‌های دولت که در اختیار وی باقی خواهد ماند باید توسط دولت مورد بازتعریف و اصلاح قرار گیرد. در امور انتفاعی یعنی فعالیت‌های گروه یک و دو اقتصادی که در ماده ۲ قانون اصل ۴۴ ذکر شده واگذاری مالکیت به همراه واگذاری فعالیت الزامی است و دولت نباید به هیچ عنوان مالکیت و موجودیت در آن بخش‌ها داشته باشد. البته حوزه سلامت، آموزش و تحقیقات مشمول این قانون نیست و توسعه

منع بوده‌اند. احکام ترویج و رقابت، منع انحصار و مقررات ناظر بر آنها تعقیب شده و برای اولین بار قانون ضدانحصار در کشور تدوین شده است. دستگاه‌هایی که معتقدند اصل ۴۴ به آنها ارتباطی ندارد، به هیأت تخلفات اداری معرفی خواهند شد زیرا هیچ امتیاز خاصی برای بخش دولتی نسبت به سایر بخش‌ها وضع نشده است. اما موانع و اشکالات موجود:

تدوین لایحه ایجاد فضای مناسب کسب و کار، یکی از موانع است. قانون تدوین لایحه ایجاد فضای مناسب کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار توسط اتاق‌ها به چند قانون اصل ۴۴ دیگری احاله شده است.

لایحه توسعه بخش‌های غیردولتی و واگذاری به بخش غیردولتی در حوزه سلامت، آموزش، تحقیقات و فرهنگ در قانون بدون ذکر مسئول ذکر شده و وزارت امور اقتصادی و دارایی شروع به تدوین این امر کرده است.

لایحه‌ای تحت عنوان اصلاح جرم و ممنوعیت‌های این قانون و نیز لایحه ای برای رسیدگی به تخلفات و جرایم قانونی توسط قوه قضائیه



است. با برنامه خصوصی سازی تعداد شرکتها افزایش می یابد و منجر به افزایش حجم یا عمق بازار سرمایه می شود.

۲- ارزش معاملات: ارزش معاملات در هر بورس معمولاً بازگو کننده سطح فعالیت آن بورس است. هر چه نسبت ارزش معاملات به کل بازار بیشتر باشد آن بورس از نقدینگی بالاتری برخوردار است. به عبارت دیگر در آن بورس تبدیل پول به اوراق بهادار و بالعکس راحتتر انجام می شود. پذیرش سهام شرکت های جدید در بورس باعث می شود تنوع فعالیت ایجاد شود، سهامداران جدید جذب شوند و در نتیجه حجم بازار افزایش پیدا می کند.

مقررات زدایی از اقتصاد ملی از راه های مختلف منجر به گسترش بازار سرمایه می شود. مهمترین آن افزایش تعداد شرکت های پذیرفته شده است. تعداد شرکت هایی که در حال حاضر در بازار سرمایه ایران فعالیت می کنند اندکی بیش از ۴۰۰ شرکت است که اگر این عدد را بر ۳۳۰ هزار شرکت ثبت شده، تقسیم کنیم کمتر از یک دهم درصد این حضور به دست می آید. در صورتیکه این آمار در کشورهای مختلف بالاتر است؛ یعنی تعداد شرکت های بورس ما از یک دهم درصد شرکت های ثبت شده هم کمتر است.

این سیاست با حذف یا تسهیل مقررات حاکم بر شرکت های دولتی باعث می شود که شرکت های بیشتری از امکان پذیرش در بورس برخوردار باشند از طرف دیگر اکثر شرکت های پذیرفته شده در بورس اقدام به افزایش سرمایه می کنند اما این اقدام باعث افزایش عمق بازار سرمایه می شود. از طرف دیگر بر پایه تئوری های اقتصادی، معمولاً آزادسازی فعالیت های اقتصادی و مقررات زدایی با افزایش نرخ بهره بانکی توأم است و این امر می تواند عاملی برای جذب شرکت ها به حضور در بورس باشد. زیرا یکی از ویژگی های بورس این است که می تواند در صورت موجود بودن طرح توجیهی به افزایش سرمایه منجر شود.

۱- زیرساخت های بازار: واقعیت برنامه خصوصی سازی نیازمند زیر ساخت قوی سخت افزاری و نرم افزاری است. نرم افزار معاملاتی که تا ۱۰ روز پیش با آن کار می کردیم در سال ۱۳۷۳ خریداری شده بود؛ زمانی که تعداد کارگزاران سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار از تعداد کارگزاران بورس اصفهان یا تبریز فعلی هم کمتر بود (حدود ۳۰ تا ۳۵ کارگزار در آن زمان وجود داشت) در حال حاضر ۴۵۰ ایستگاه معاملاتی داریم که قطعاً این نرم افزار نمی توانست پاسخگو باشد. نرم افزار جدید در ۱۶ آذر سال جاری راه اندازی شد و قادر است تا ۲ هزار ایستگاه معاملاتی را پوشش دهد. با انجام خصوصی سازی از طریق بورس، فرآیند اطلاع رسانی هم توسعه خواهد یافت و سرمایه گذاران سریعتر و گسترده تر در جریان اطلاعات و اخبار قرار می گیرند.

۱- افزایش توجه دولت به بازار سرمایه: عموماً

اجرای برنامه خصوصی سازی از طریق بازار سرمایه باعث توجه بیشتر دولت به بازار سرمایه می شود و این امر می تواند منجر به اتخاذ سیاست هایی شود که گسترش بازارهای سرمایه را به همراه دارد. از طرف دیگر وقتی سرمایه گذاران خارجی بخواهند در خرید شرکت های بزرگ ایرانی سهمی شوند؛ لازم است که نسبت به استانداردهای حسابداری و حسابداری تجدید نظر به عمل آید.

معاون اجرایی سازمان بورس و اوراق بهادار:

دولت ها گر چه به بورس و برنامه خصوصی سازی به عنوان یک ابزار افزایش درآمد (در مرحله اول) و در مرحله بعد افزایش کارایی و بهره وری شرکت های دولتی می نگرند؛ اما انتظار دارند که اجرای برنامه های خصوصی سازی از طریق عرضه عموم به توسعه بازار سرمایه کشور بینجامد که این خود نیز موتور رشد و محرک توسعه اقتصادی محسوب می شود.



۲- افزایش تعداد سهامداران و بهبود مالکیت: این مسأله از سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ شروع شد. در گذشته تالار بورس به تالار حافظ و تالار سعدی خلاصه می شد اما در سال ۱۳۸۱ طبق ماده ۹۵ برنامه توسعه کشور، قرار شد ۵ استان کشور بورسی شوند. استان خراسان نخستین استان بورسی بود و در سال ۱۳۸۲ شاهد فعالیت تالارهای تبریز، اصفهان و شیراز بودیم و در حال حاضر بیش از ۲۰ استان کشور از فعالیت های بورسی برخوردار هستند.

۳- رفع انحصارات دولتی می تواند زمینه فعالیت و اقتصاد کشور را فراهم سازد و نقش دولت را از مالکیت و مدیریت خارج کند و دولت به سیاست گزار، هدایت گر و نظارت گر فعالیت های اقتصادی تبدیل شود. برای تحقق این امر نیاز به نهادهای پشتیبان مانند ۱- تأمین اجتماعی ۲- نهاد مالکیت ۳- نهادهای تنظیم کننده داریم.

۱- نهاد تأمین اجتماعی: تجربه نشان داده که سیاست های اقتصاد آزاد در صورتی موفق است که بتواند شکافی که در اثر آزاد سازی ایجاد می شود را تحت پوشش قرار دهد. لذا در بند "ب" سیاست های کلی ایجاد تعاونی دیده شده است و در بند "د" نیز اختصاص ۳۰ درصد درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی های فراگیر به خاطر

فقر زدایی اختصاص داده شده است. ۲- نهاد مالکیت: تجربه کشورهایی که بیش از ما در این بخش گام گذاشته اند؛ نشان می دهد که فقدان نظام های انگیزشی کارآفرین مانع رشد و توسعه اقتصادی می شود. چنانچه کارآفرینان بر نتایج فعالیت های خود کنترل نداشته باشند به سختی ممکن است توان خود را صرف ایجاد ارزش ثروت کنند.

۳- نهادهای تنظیم کننده: در کشورهای دارای اقتصاد باز به منظور رفع مشکلات ناشی از شکست اخیر که در آمریکا و اروپا شاهد آن هستیم؛ نهادهای تنظیم کننده متعددی در ارتباط با نیروی انسانی، بازار کالا، بازار خدمات و سرمایه وجود دارند که باید در برنامه خصوصی سازی ایران نیز لحاظ شوند.

بحث دیگر، سیاست های کلی فعالیت بخش های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه ها است. تسهیلات لازم برای موفقیت خصوصی سازی ضروری است. یکسری اعمال اصلاحات لازم در خصوص بازار و قیمت گذاری باید انجام شود. در اکثر شرکت های کشور، قیمت گذاری کالا براساس روش سنتی صورت می گیرد. یعنی عوامل تولید را مواردی همچون مواد اولیه، دستمزد، هزینه و... دربرمی گیرند. به عبارت بهتر اگر قیمت تمام شده یک کالا ۱۵۰ تومان باشد ۳۰-۲۰ درصد سود به آن اضافه می کنند و کالا با قیمت ۱۸۰ تومان قیمت به فروش می رود. اما در دنیا این روش قیمت گذاری مردود است. امروزه قیمت گذاری بر اساس هزینه های تولید صورت می گیرد. به این معنا که در ژاپن، اروپا و آمریکا به قیمت کالا در سایر کشورها توجه می کنند برای مثال اگر قیمت کالا ۲۰۰ تومان است سود خود را ۱۵-۱۰ درصد

از آن مقدار کم می کنند و عدد ۱۸۰-۱۷۰ تومان به دست می آید، براساس این رقم است که مدیران تصمیم می گیرند تولید کالای مذکور مقرون به صرفه می باشد یا خیر.

نکته قابل توجه دیگر، استفاده از مدیران باتجربه، متخصص و کارآمد است، برای افزایش انگیزه در میان کارکنان و مدیران شرکت های مشمول واگذاری، می توان ۵ درصد از سهام شرکت ها را به آنها واگذار کرد.

مزایای اجرای اصل ۴۴:

- ۱- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی
- ۲- گسترش مالکیت در سطح عمودی
- ۳- ارتقای کارایی
- ۴- افزایش رقابت پذیری
- ۵- افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی
- ۶- کاستن از بار مالی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی
- ۷- افزایش سطح عمومی اشتغال
- ۸- تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها

همایش، صرفاً بیان دیدگاه‌ها و نظرات اشخاص حقیقی و یا حقوقی بوده و مشارکت آنها در این همایش نباید به منظور موافقت یا مخالفت بسیج با آنها، تلقی گردد زیرا بسیج دانشجویی با ایجاد بستری مناسب در پی ایجاد درک واحد و برداشت یکسان از بندهای مختلف این سیاست‌ها که مورد عنایت مقام معظم رهبری است بوده و می‌باشد. به زعم بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ یکی از بهترین نسخه‌های اقتصادی است که اجرای درست آن به راهکارهای وسیعی نیاز دارد هدف‌گذاری صحیح، توجیه و همراه کردن افکار عمومی، انحصار زدایی، آزاد سازی، فعال کردن نهادهای حامی کارآفرینان و رفع مستمر موانع سرمایه‌گذاری از این قبیل می‌باشد که تبیین و اجرای صحیح آن‌ها نیازمند اجماع نخبگان اقتصادی، مسئولین متصدی و مجریان، همراه با تبدیل شدن این خواسته‌ها به مطالبات فراگیر با تاکید بر نقش بسیج دانشجویی می‌باشد. ۳- بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران به عنوان تشکیلی مردمی و حاضر در عرصه‌های مختلف و با بهره‌گیری از عنصر زمان آگاهی و با فراهم نمودن این بستر، حلقه ارتباطی سه سطح نخبگان اقتصادی، مسئولین امر و دانشجویان را تکمیل نموده و امیدوار است در این فضاها، زمینه اهتمام به اجرای این اصل و تحقق مولفه‌های اقتصاد اسلامی، که به فرموده مقام معظم رهبری، تولید ثروت ملی و توزیع عادلانه درون جامعه اسلامی است را فراهم کرده و تا رسیدن به نقطه مطلوب پیگیری نماید. ۴- بر کسی پوشیده نیست که توسعه پایدار و نظام‌مند اقتصادی مستلزم تحقیق، کارشناسی و بررسی علمی و فنی همه جانبه در یک فرایند مشخص می‌باشد و نباید توقع داشت که اجرای این سیاست‌ها بدون زمینه مساعد و به طور شتاب‌زده انجام پذیرد. لذا بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران به عنوان شروع این فرایند و در راستای تحقق این جهاد اقتصادی، اقدام به راه‌اندازی دبیرخانه دائمی اصل ۴۴ جهت رسیدن به رهیافت‌های جدید و کارآمد و ارایه آن به مسئولین ذریبط خواهد نمود تا بار دیگر و این بار در توسعه اقتصادی کشور نقش خود را ایفا نماید.

مقاله برتر

لازم به ذکر است که مقاله دکتر احمدپور- عضو هیأت مدیره و معاون اجرایی سازمان بورس و اوراق بهادار - به عنوان بهترین مقاله علمی همایش علمی و کاربردی موانع و راهکارهای اصل ۴۴ قانون اساسی شناخته شد.

در مقابل دشمن که از خارج ممکن است حمله کند و یک روز در مقابل آنکه روحیه مردمی را بخواد از بین ببرد، هر روز در یک میدانی. این بار دست توانمند بسیج مردمی، آن هم از قشر دانشجو، برای ادای تکلیف از استین عرصه اقتصادی بیرون آمده و پیرو فرمایشات ولی امر خود که فرمودند تلاش برای عملی شدن این سیاست‌های تحول آفرین نوعی جهان

را تحت پوشش خود قرار دهیم. باید با تدبیر دقیق فاصله میان دهک های جامعه کاهش یابد و از قشر آسیب پذیر جامعه حمایت شود. هر شخص از درآمد بیشتری برخوردار شود باید سهم بیشتری را به خزانه جامعه پرداخت کند تا بتوانیم از قشر آسیب پذیر حمایت کنیم. مجلس شورای اسلامی باید موضوع داوری تخلفات در اجرای اصل ۴۴ را در دستور کار

۹- فعال کردن بخش خصوصی
۱۰- کاهش تصدیگری دولت
۱۱- افزایش کیفیت محصولات و خدمات
۱۲- افزایش بهره‌وری
۱۳- کاهش قیمت تمام شده قیمت کالا و خدمات
۱۴- کاهش نرخ تورم و افزایش رقابت برای شرکت‌ها

اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی تکلیفی سیاسی و اعتقادی است

حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی - دادستان کل کشور - گفت: اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی تکلیفی سیاسی و اعتقادی است. باید برای اجرای اصل ۴۴ همه ملت را بسیج کنیم زیرا اقدامی اساسی است و باید هر شخص در ایران اسلامی در تولید و بهره برداری ها سهم داشته باشد. اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی تکلیفی سیاسی و اعتقادی و منطبق با سند چشم انداز است و باید با تلاش مضاعف ایران را به قدرت منطقه ای و بین المللی تبدیل کنیم. با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و تحقق اهداف سند چشم انداز، جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای منطقه، کشورهای اسلامی و جهان تبدیل خواهد شد. هم اکنون فقط از مناطق شناخته شده معادن، نفت و گاز بهره برداری می شود و در همه کشور مطالعات اکتشافی انجام نشده است اما ظرفیتهای قابل توجه زیادی در همه استان ها در زمینه های گوناگون وجود دارد. انقلاب اسلامی زمینه حضور ملت را در عرصه های مختلف مهیا کرده است و اکنون سه میلیون دانشجو در حال تحصیل در دانشگاهها هستند و باید از این فرصت طلایی استفاده کرد. نه تنها باید از فرصت ها استفاده کرد بلکه باید فرصت های جدیدی را در عرصه های مختلف مانند انرژی هسته ای، بیوتکنولوژی و دیگر عرصه ها ایجاد کنیم. باید تولید ناخالص ملی چند برابر وضع کنونی شود زیرا در این صورت قدرت اقتصاد ملی افزایش می یابد. با رشد ۸ درصدی، قدرت اقتصاد ملی کشورمان در هر ۸ سال ۲ برابر می شود و باید قدرت سرانه کشور را افزایش دهیم و آن را به صورت عادلانه بین مردم توزیع کنیم. با برنامه ریزی، مدیریت و بهره برداری از منابع کشور می توانیم اینگونه اهداف را محقق کنیم البته متأسفانه بهره وری ایران از منابع ۶۶ درصد است و مصرف میوه، گندم و انرژی در کشورمان بیش از حد متعارف است. باید قدر فرصت ها را بدانیم در غیر این صورت فرصت ها هدر می رود و جایگزینی نمی توانیم برای آن پیدا کنیم. باید با تلاش امید و قدرت مسیر انقلاب اسلامی را ادامه دهیم زیرا بقا و عزت ما در پایداری و تداوم راه است. همچنین بازار کشورمان باید به گونه ای شود که با قدرت های جهان رقابت کنیم و بازارهای منطقه

دادستان کل کشور:

هم اکنون فقط از مناطق شناخته شده معادن، نفت و گاز بهره برداری می شود و در همه کشور مطالعات اکتشافی انجام نشده است اما ظرفیتهای قابل توجه زیادی در همه استان ها در زمینه های گوناگون وجود دارد. انقلاب اسلامی زمینه حضور ملت را در عرصه های مختلف مهیا کرده است



خود قرار دهد تا در اجرای آن تسریع شود. **بیانیه پایانی همایش** از آنجا که کار ویژه اصلی بسیج دفاع از انقلاب و اسلام بوده و می‌باشد و با توجه به اینکه، دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌شود و به فرموده مقام معظم رهبری بسیج یعنی احساس تکلیف در همه لحظات، بسیج یعنی حضور در همه میدان‌هایی که از انسان در آن میدان یک کاری می‌طلبند. فرقی هم بین مرد و زن نیست. یک روز در دانشگاه یک روز در جبهه یک روز در خیابان یک روز در محیط کار

است. دست به جهاد اقتصادی زده و تا به ثمر رسیدن آن به این مجاهدت ادامه خواهد داد. بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران، با توجه به مجموعه مطالب و مباحث ارائه شده در این همایش بر خود لازم می‌داند نکاتی را در چند بند، در بیانیه پایانی یادآور شود: ۱- بی‌تردید نقش بسیج دانشجویی به عنوان تشکیلی همیشه در صحنه زمان آگاه و فرا جناحی، در پی گیری اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی، بر کسی پوشیده نیست لذا به این وسیله اعلام می‌داریم کلیه مباحث مطرح شده در این